

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و یازدهم، ۹ خرداد ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/ راههای فرار از ربای قرضی / خرید و فروش سفته و اوراق اعتباری

1- حدیث اخلاقی (گام‌ها و منازل سیر و سلوک در خطبه متقین)

«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى خَلْقَ الْخَلْقِ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنِ طَاعَتِهِمْ، آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ، لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مَنْ عَصَاهُ، وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مَنْ أَطَاعَهُ. فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ، وَوَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ. فَأَلْمُتُّوْنَ فِيهَاهُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ: مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ، وَمَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ، وَمَشْيُهُمُ التَّوَاضُعُ. غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَوَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ. نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَأَلَّتِي نُزِّلَتْ فِي الرَّحَاءِ [1].»

در فرازهای فرمایش حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه متقین بودیم. حضرت فرمودند: یکی از مراحل سیر و سلوک انسان‌های با تقوا این است که مراقبت از چشم خود دارند.

چشم‌هایشان برای حرام بسته و گوش آنها برای علم نافع باز است. چشم و گوش سالک باز است، ولی نه برای حرام، بلکه برای کسب معارف. امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غَيْرُ ثَلَاثٍ عَيْنٍ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٍ فَاصَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٍ غُضِبَتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ»؛ [2] روز قیامت همه مردم، غیر از سه گروه چشمان آنها گریان است: چشمی که در راه خدا شب زنده داری کند و چشمی که از ترس خدا گریان شود و چشمی که از نگاه به محرّمات الهی بازداشته شود. این سه چشم هستند که فردای قیامت، جزء ناجیان هستند. ظاهر امر این است که حصر کمالات در همین سه راهی است که بیان شده است؛ یک راه نفی و دو راه اثباتی؛ چشم‌پوشی از گناه، نسبت به سحرخیزی و سهر و بیداری شب کوشش کردن و اینکه در دل شب، محزون باشد. اگر حالی باشد که دعای حزین امام سجاد (علیه السلام) خوانده شود، مطلوبیت خاصی دارد. به تجربه ثابت شده که یکی از چیزهایی که برای کنترل چشم مؤثر است، نگاه به آسمان و زمین است. قرائت آیه شریفه نور و سوره نور و مداومت بر آن برای برون‌رفت گناهان چشم، اثر خاصی دارد. حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) به خصلت دیگر متقین اشاره می‌کنند:

1.1- منزل بیست و یکم: رضایت در سختی و آسانی

«نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّتِي نُزِّلَتْ فِي الرَّحَاءِ»؛ حالشان در مصائب و مشکلات، مانند حالشان در آسایش و رفاه است. راضی به رضای حضرت حق و تسلیم هستند. چون تسلیم هستند، بلا و غیر بلا برای آنها تفاوتی ندارد.

1.1.1- رضایت جابر و جواب امام باقر علیه السلام به ایشان

از حضرت امام باقر (علیه السلام) نقل است که جابر بن عبدالله انصاری مریض بود؛ ایشان به دیدنش رفتند؛ پرسیدند: «حالت چطور است؟ گفت: بهترین حال را دارم. در حالی هستم که سلامتی را نمی‌پسندم و بیماری را ترجیح می‌دهم. مرگ را بر زندگانی و فقر را بر دارایی ترجیح می‌دهم». حضرت فرمودند: «اما ما این گونه نیستیم. ما می‌پسندیم آنچه را او بیسندد؛ چه سلامتی، چه مریضی، چه فقر و چه دارایی و چه مرگ و چه زندگی [3]». امام باید شبهه‌های علمی را جواب دهد. جابر فهمید اشتباه کرده است؛ سریع استغفار کرد.

یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آنچه را جانان پسندد [4]

1،1- 1.1.2، داستانی از رضایت شهید دستغیب

برخی از افراد پیش خدا گلایه می‌کنند که چرا مال و سلامتی و ... ندارند؟ چرا چنین شد؟ چرا چنان شد؟ فرزند شهید دستغیب از حالات ایشان نقل می‌کند که تابستان در ممسنی تبعید بودند. گفتم: چه هوای گرمی! کاش هوای اینجا مثل شمال خنک بود. ایشان برافروخته شدند و فرمودند: برو دهانت را آب بکش؛ استغفار کن؛ هرچه او بخواهد، همان است. راضی به رضای او باش؛ چه زحمت و چه رحمت؛ چه نعمت و چه نعمت. به خصوص در ایام کرونا با این مشکلاتی که هست، باید انسان راضی به رضای الهی باشد. در پس این نعمت‌ها، نعمت‌هایی نهفته است. راه رسیدن به نعمت‌های خاص، از طریق نعمت است.

هرکه در این بزم مقرب‌تر استجمام بلا بیشترش می‌دهند [5]

2- خلاصه جلسه گذشته

در مباحث بورس و خطوط قرمز معاملات ربوی و راه‌های برون‌رفت از ربای قرضی و ربای معاملاتی، به خصوص ربای قرضی که مبتلابه است، بودیم. گفتیم یکی از راه‌های برون‌رفت از ربای قرضی، معامله‌ی حواله‌جات و ارزها است. ما قائل به این هستیم که اعتبار این حواله‌جات به منشأ اعتبارشان است. ارزها هم مانند درهم و دینار نیست و خروج موضوعی دارد. ربای معاملاتی ندارد که زیاده و نقصان داشته باشد. ما گفتیم اینها مثلی است که مثلثیت

اینها در قیمی بودن آنها است. کم و زیاد می‌شود. پولی که در زمانی داده، اگر در زمان دیگر قیمت شود، باید مازادش را بدهد. مرتبط به این پول، گرچه قیمی و مثلی است، ولی خارج از ربا است. ربا این است که دو کالای مساوی با زیاده باشد، ولی اینجا مساوی نیست.

بحث سفته را مطرح کردیم. عبارت حضرت امام در بحث سفته مطرح شد. سفته، ارزش دینی دارد؛ چرا که حاکی از دین است. ارزش اعتباری به منشأ اعتبار دارد. ارزش معاملاتی هم دارد که کاشف از دین است. امضاهایی که پشت آن توسط یک نفر یا چند نفر انجام می‌شود، به عنوان بدهکار در معامله است. این سفته‌ها می‌شود نقد شود. سفته گرفته و هنوز مهلتش نرسیده، می‌شود خرید و فروش کند. ولی اگر سر رسیدش رسید و خواست خرید و فروش کند، یا مدت را کم و زیاد کند، زیاده در معاملات ربوی است و اشکال دارد.

3- جواز نقد کردن دین به قیمت کمتر در دین مدت دار

مسألة ۸ - «يجوز تعجيل الدين المؤجل بنقصان مع التراضي، وهو الذي يسمي في لسان تجار العصر بالنزول، ولا يجوز تأجيل الحال ولا زيادة أجل المؤجل بزيادة [6].»

مثلاً شما صد تومان به من بدهکاری، من هشتاد تومان بدهی تو را بری کنم. این اشکال ندارد. نزولی که می‌گویند، یعنی کم کردن. کم کردن ربوی اشکال دارد، ولی نزولی که کم و زیاد به خرید و فروش است، اشکال ندارد.

جایز نیست که چیزی که سر رسیدش رسیده، مدت دارش کنیم، به مبلغ زیاده، یا زمان مدت دار را زیاد کنیم، به مبلغ زیاده‌ای؛ مثلاً طلبکار به بدهکار بگوید: این قدر می‌گیرم و چند وقت دیگر مهلت می‌دهم؛ این کار جایز نیست. ولی فروختن دین به شخص دیگر به صورت نقد به قیمت کمتر، اشکالی ندارد؛ چون دین الآن مطالبه شده و ارزش سنجی شده و مشمول معامله دین به دین یا کالی به کالی نمی‌شود، تا جایز نباشد. دین به دین نیست که حرام باشد. سفته‌ای در دست اوست و مهلتش هفته آینده است. این را به شخص دیگری می‌دهد و پولی می‌خواهد، به قیمت کمتر می‌فروشد؛ این معامله، صحیح است؛ چرا که معامله جدید است. دین واقعی به وسیله سفته‌ای که کاشف از دین است، به شخص سومی فروخته شده است. رضایت بدهکار هم شرط نیست.

4- جواز معامله سفته با معامله جدید

حضرت امام می‌گویند: خرید و فروش سفته، اگر برای فرار از ربا باشد، اشکال دارد، ولی اگر معامله جدید باشد، بدون فرار از ربا، اشکال ندارد. عده‌ای کارشان این است که سفته‌ها را خرید و فروش می‌کنند و نقد می‌کنند. سفته‌ای از بدهکار نزد کسی دارد، این را نقد می‌کند؛

عیبی ندارد. در نتیجه مقداری که کم کرده، سودی است که می‌گیرد؛ این اشکال ندارد؛ مگر اینکه خرج کردن سفته‌ها با محذورات دیگری مواجه شود؛ مثلاً بدهکار بگوید: من فقط می‌خواهم با تو طرف باشم. و الا محدودیت ندارد یک سفته، چند دست بگردد.

5- جواز معامله صوری سفته بر مبنای مختار

معامله سفته به قیمت کمتر در خرید و فروش حقیقی، شک و شبهه‌ای در صحت و جواز آن نیست، ولی اگر خرید و فروش صوری و ظاهری باشد، جایز است یا خیر؟

اکثر فقها می‌گویند: چون دینی نیست، خرید و فروش جایز نیست. سفته‌های صوری را حاکم از معاملات نمی‌دانند و ارزش معاملاتی ندارد و خرید و فروش نمی‌شود. ولی ما عرض می‌کنیم: چون ما این مبنا را انتخاب کردیم که اعتبار، خرید و فروش می‌شود، اشکالی ندارد. این سفته، یک ارزش کاغذی دارد و یک ارزش امضا که حاکی از دین است. اگر معامله صوری به نحو وکالت بود، ولو ظاهری بود و کاشف از یک دین حقیقی بود، معامله اشکال ندارد. حضرت امام این راه را اشکال نمی‌دانند. بدهکار، طلبکار صوری را وکیل می‌کند با شخص سومی معامله‌ای کند و سفته او را بفروشد. بدهکار، مدیون شخص سوم می‌شود و معامله صحیح می‌شود.

6- جواز معامله با ارزشهای کاغذی و دیجیتالی به مبلغ اضافه

یک تأمل است و آن اینکه باید در اجناس ربوی نباشد و در غیر طلا و نقره باشد. در مکمل و موزون نباشد. در معدود اشکال ندارد. اگر در ارزشها بود، اشکالی ندارد. ارزشها، ارزش اعتباری معاملاتی دارند و مالیت دارند. مالیت آنها به طلا و نقره نیست؛ بلکه به اعتبار عقلا است. ارزشهای دیجیتال هم به اعتبار عقلا است و خزانه ندارد. با توجه به مشخص نبودن ارزشهای دیجیتال، اگر عقلا معامله کردند و منع عقلایی و شرعی نداشت، اشکالی ندارد.

سفته را صوری دست به دست می‌کند و به قیمت کمتر می‌فروشد، تا ذمه یکی از آنها بری شود و ذمه دیگری مشغول شود. ده دست هم بگردد، اشکال ندارد؛ البته آن صوری که حاکی از وکالت در دین باشد. در راه‌های برون‌رفت گفتیم وکالت، صلح، اجاره و عقود دیگر می‌آید. اگر شارع بیع ربوی و معاملات ربویه را دارای اشکال می‌داند، در کنارش راه‌های دیگر را پیشنهاد داده، بلکه راه را باز گذاشته است. حواله‌جات از همین نوع است. بین سفته و حواله و برات و ابراء ذمه و اشتغال ذمه فرق است. دین به دین، خرید و فروش نمی‌شود، ولی اگر معامله دین به معامله جدید باشد، اشکال ندارد.

-
- [1] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٢٠٤، خطبه ١٩٣.
- [2] الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٢، ص ٨٠.
- [3] مسكن الفؤاد عند فقه الاحبة والاولاد، الشهيد الثاني، ج ١، ص ٨٢.
- [4] بابا طاهر همداني، دوبيتيها، دوبيتي شماره ٢٨.
- [5] منسوب به حافظ.
- [6] تحرير الوسيلة، الخميني، السيد روح الله، ج ١، ص ٦٤٩.